

زیر ذره بین

ضمانت آهو

بانگاهی غمگین
به تیغ صیاد
جان سپرده بود
آهو با داد و ناله
ضامنش را صدا زد
درد خود را به او گفت
دوایش را از او خواست
و فرمان خداوند
ضمانت آهو بود
یا ضامن آهو!

محدثه کندزی ۱۱ ساله / تهران

شعر «ضمانت آهو» شبیه شعرهای سروده شده در قالب‌های کلاسیک نیست. منظوم شعرهایی است که همه ما در دیوان بیشتر شاعران معروف و غیر معروف یا در کتاب‌های درسی خوانده‌ایم؛ یعنی این شعر نه از وزن عروضی بهره‌ای برده و نه قافیه و ردیف در آن دیده می‌شود.

وزن عروضی و نیز قافیه و ردیف پایه‌های اصلی قالب‌های کلاسیک شعری به حساب می‌آیند؛ بنابراین وقتی این پایه‌ها را از ساختمان شعر حذف می‌کنی، باید چیزی جایگزینش کنی که خانه شعرت همچنان استوار و پابرجا بماند. به نظر نمی‌رسد در این شعر چنین اتفاقی افتاده باشد و به همین دلیل سطرهای تو خیلی شبیه نثر یا حرف‌های خودمانی شده‌اند که البته در جای خود خوب و بارز است، اما اگر با دید «شعر» به آن‌ها بنگریم، چندان موفق نیستند.

از وزن عروضی و موسیقی شعر که بگذریم، هر شعری باید حرف تازه‌ای برای خواننده‌اش داشته باشد و حس یا فکر نویی را به او منتقل کند. اگر قرار باشد ما هم مثل هزاران شاعر دیگر چهره زیبا را به گل تشبیه کنیم یا واقعه کربلا را به همان شکلی که بقیه روایت کرده‌اند، به روی کاغذ بیاوریم، نمی‌توانیم ادعا کنیم که یک اثر ادبی موفق خلق کرده‌ایم.

با این توضیح، سطرهای شعر تو معمولی و در نتیجه بی‌تأثیرند. تنها چند سطر پایانی، کمی از تکرار فاصله گرفته و بیان تازه‌تری دارند؛ سطرهایی که با همه سادگی و کوتاهی، جذابند و بر مخاطب تأثیر می‌گذارند: «و فرمان خداوند / ضمانت آهو بود».





لبخند منظوم

نامه روز امتحان
سیدعباس ترین

خدمت تون عرض بکنم
شما همیشه سرورین
همین که تشریف میارین،
هزار هزار دل می برین

قربون اون عینک تون
که شیشه استکانیه
آخر هر چی عینکه
یه موزه جهانیه

ما کف این کلاسو صبح
تنهایی جارو می کشیم
حتی اگه جوراب تون
بو بده، ما بو می کشیم

جون شما مخلص تون
کتابو خونده خط به خط
نامه تمام و والسلام:
لنگ یه نمره ایم فقط!

هنگ و... دنگ و فنگ!
مریم هاشم پور

رایانهام مریض است
دارد هزار و یک درد
بابای خوبم، امروز
دکتر برایش آورد

گفتم: «جناب دکتر!
ویروس دارد انگار
از صبح تا به حالا
هنگیده شصت و یک بار

از کیس آن می آید
بوی عجیب یک دود
بی حال، موقع کار
خاموش می شود زود

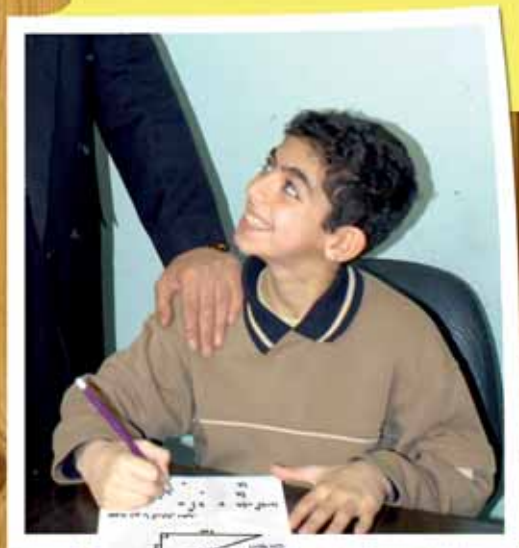
می خواستم بگویم
بر کله اش دو تا مشت
ویروس های آن را
باید همین الان کشت!

آن وقت او به من گفت:
«من دکتر همینم
بگذار قلب آن را
بازش کنم ببینم»

او ظرف پنج ساعت
رایانه را عمل کرد
ویروس های آن را
دانه به دانه شل کرد

رایانه ی من اما
حالش هنوز خوش نیست
چون دکترش نفهمید
آخر مریضی اش چیست؟

فردا می آید او باز
با کیف هفت رنگش
رایانه خسته ام کرد
با هنگ و دنگ و فنگش!



۲۹

بوجوان
پهمن ۱۳۹۰

اسکلت نو مبارک!



ترجمه: علیرضا باقری جبلی

۱۴ استخوان صورت به همراه ماهیچه‌ها شکل کلی چهره شمارا تعیین می‌کنند.



کمربند لگنی از اندام‌های شکمی محافظت می‌کند و به استخوان‌های پا وصل است.

می‌کنند و در جاهایی قرار دارند که استخوان‌های بدن به هم می‌رسند. لایه بیرونی استخوان سخت و محکم و لایه درونی نرم و اسفنج مانند است. بعضی استخوان‌ها مغزی زله مانند دارند که کار اصلی آن تولید سلول‌های خونی جدید است.

بدن ما هر لحظه در حال نو شدن و تغییر است. چنان‌که مولوی شاعر و عارف نام‌دار ایرانی گفته است:

**عمر همچون جوی نو نو می‌رسد
مستمری می‌نماید در جسد**

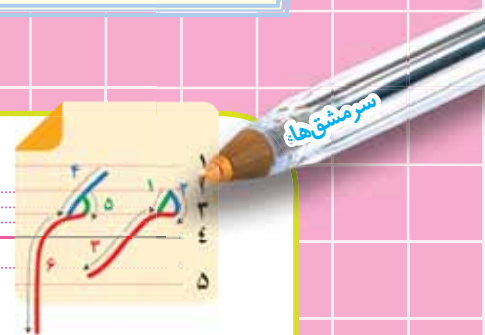
یعنی جسم ما مثل بستر رودی است که آب حیات در آن جاری است و هر لحظه عوض می‌شود. استخوان‌های ما نیز هر هفت سال به طور کامل عوض می‌شوند. بنابراین شما تا سن نوجوانی دوبار استخوان‌های خود را عوض کرده‌اید. دفعه سوم با استخوان‌های جدید وارد دنیای بزرگترها می‌شوید!

استخوان‌ها چارچوب بدن را تشکیل می‌دهند و به مجموع آن‌ها اسکلت می‌گویند.

استخوان‌ها بافت‌هایی زنده شامل رگ‌های خونی، اعصاب و سلول‌ها هستند. این بافت‌های محکم و سبک اگر بشکنند می‌توانند خود را ترمیم کنند. انتهای استخوان‌ها با غضروف پوشیده شده و مایع مفصلی بین آن‌ها قرار دارد. مفصل‌ها امکان خم شدن اندام‌های مختلف را فراهم



مریم



ترمیم استخوان

وقتی یک استخوان بشکند می‌تواند خودش را ترمیم کند. اما بعد از یک شکستگی سخت پزشک جراح ممکن است یک میله فلزی کوچک را در امتداد استخوان قرار دهد تا در حین ترمیم استخوان ثابت باشد. بهبود شکستگی استخوان حدود ۸ هفته طول می‌کشد.

بهترین و بدترین

بهترین چیز برای داشتن استخوان‌های سالم و محکم، خوردن شیر و سایر فراورده‌های آن است. بدترین چیز برای استخوان‌ها خوردن زیاد نوشابه‌های گازدار است. چون اسید موجود در این نوشابه‌ها علاوه بر این که مانع جذب کلسیم در بدن می‌شود، کلسیم استخوان‌ها را نیز به تدریج از بین می‌برد. برای امتحان یک استخوان پای مرغ را چند روز در یک لیوان نوشابه قرار دهید. خواهید دید که چه‌طور مثل لاستیک نرم می‌شود.

می‌دانستی؟

- در هر ثانیه دو میلیون سلول خونی در مغز استخوان تولید می‌شود.
- در بدن انسان ۲۰۶ استخوان وجود دارد.
- بیش از یک چهارم استخوان‌های شما در دستانتان قرار دارد.
- تعداد استخوان‌های گردن شما با استخوان‌های گردن زرافه برابر است و هر دو ۷ استخوان گردن دارند.
- استخوان در مقایسه با یک میله فولادی با وزن یکسان ۶ برابر محکم‌تر است.
- استخوان ران بزرگ‌ترین استخوان و طول آن تقریباً یک چهارم قد شماست. استخوان رکابی گوش کوچک‌ترین استخوان بدن و به اندازه یک دانه برنج است.

استخوان کشتک از قسمت جلوی زانوی شما محافظت می‌کند.



چسب استخوان

این جانور دریایی در زیر آب برای خودش قلعه‌اشنی می‌سازد. او چسب مخصوصی ترشح می‌کند که در آب سفت می‌شود و دانه‌های شن را به هم می‌چسباند. دانشمندان با الهام از این جانور شگفت‌انگیز چسبی ساخته‌اند که می‌تواند استخوان‌های شکسته را به هم پیوند دهد. با تزریق این چسب به محل شکستگی بیماران سریع‌تر و راحت‌تر درمان می‌شوند.

منابع:

1. The new children's Encyclopaedia, DK, 2009
2. www.inventorspot.com



شیرازه

سپیده فتاحی
عکس: علی خوش جام

- ۴ حالا شما تعدادی گل‌های یک اندازه دارید.
- ۵ بهتر است گل‌ها را از دو رنگ متفاوت ببرید.
- ۶ چهار گوشه آن را که در شکل با حرف الف مشخص شده است، چسب مایع بزنید.



- ۷ اگر رنگ این گل صورتی است، یک گل صورتی دیگر را دقیقاً روی آن بگذارید طوری که گوشه‌هایی که حرف الف روی آن نوشته شده است، روی هم قرار گیرند.
- ۸ تعدادی از این گل‌های صورتی که دو به دو به هم چسبیده‌اند را آماده کنید.
- ۹ حالا تعدادی گل زرد را که دو به دو به هم چسبیده‌اند آماده کنید.
- ۱۰ این گل‌ها را از نقطه ب به هم بچسبانید. یعنی رنگ آن‌ها یک در میان صورتی و زرد باشد.
- ۱۱ گاهی برای زیبایی بیشتر کار می‌توانید بین این گل‌ها طرح دیگری (مثلاً یک ستاره یا گل ببرید) بچسبانید. توجه

شاید برای شما هم پیش آمده باشد که سعی کنید برای خوشحال کردن یا تولد کسی که دوستش دارید یک هدیه یا کارت تبریک غیره منتظره تهیه کنید تا تعجب او را برانگیزید و او را شاد کنید. اگر دوست دارید این کار را امتحان کنید، اول یک دوست خوب انتخاب کنید و برای شاد کردن او دست به کار شوید. توجه!! مادر و معلم همیشه از بهترین دوستان شما هستند. خوشحال کردن آن‌ها را فراموش نکنید.

مواد و ابزار لازم:
کاغذهای رنگی که دو طرف آن‌ها رنگی باشد، چسب مایع، قیچی، مداد، مقواهای رنگی.

۱ کاغذهای رنگی را به صورت نوارهای مستطیل شکل ببرید و آن‌ها را به صورت آکاردئونی (بادبزن) تا بزنید طوری که چندین مربع تا خورده در کنار هم ایجاد شود. به شکل نگاه کنید.

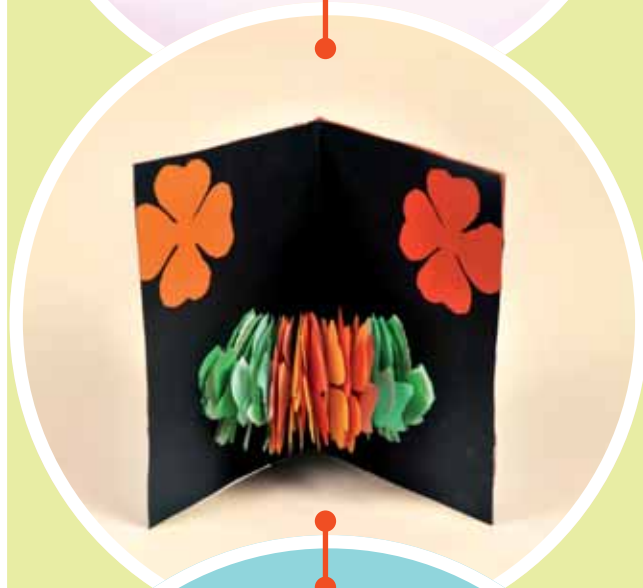


۲ شکل یک گل را روی این مستطیل تا خورده بکشید.
۳ دور تا دور آن را طوری قیچی کنید که قسمت‌های تا خورده زیرین هم قیچی شوند.



کنید که این گل یا ستاره فقط از نقطه ب به گل‌های زرد و صورتی می‌چسبند. نیازی نیست که گوشه‌های ستاره یا گل میانی به جایی بچسبند و فقط کافی است از نقطه ب به دو گل دیگر وصل شود.

۱۲ حالا که گل‌ها آماده شده‌اند می‌توانید به دو صورت از آن‌ها استفاده کنید.



الف دو سر آن‌ها را به کارت تبریک بچسبانید و روی کارت تبریک را با توجه به گلی که درون آن قرار گرفته تزئین کنید.
ب نواری طولانی از این گل‌ها بسازید و در جشن‌ها به دیوارها وصل کنید و شادی را به آنان که دوستشان دارید هدیه کنید. دوستان، ما نیز از دیدن آثار زیبایتان لذت می‌بریم. عکس آن‌ها را برایمان بفرستید.

با تشکر از دوستانی که با ما همکاری کردند: فاطمه کوهی - فائزه سلیمانی - مهدیه بیات - نگار احمدزاده - شادی علیزاده - آرزو عباسی



ورزش‌های ایرانی

مهدی زارعی

اهمیت اسب در ایران

از اهمیت اسب برای ایرانیان همین بس که پدران در هنگام دعا برای خود و خانواده، برای اسبشان نیز دعا می‌کردند. به عقیده مردم، کسی که سعادت‌مند بود و دعاهایش برآورده می‌شد، اسبی تیزپا به دست می‌آورد که شیهه‌های بلند می‌کشید. در یکی از کتیبه‌های داریوش کبیر آمده است «به فضل اهورامزدا این جا [در ایران] اسب زیبا و مرد خوب فراوان است و ایرانی از هیچ کس نمی‌ترسد.»

سلامت جسم و روح برای ایرانیان قدیم اهمیت بسیار داشت. آن‌ها معتقد بودند سلامت روح افراد به تندرستی جسم وابسته است. اولین چیزی که یک ایرانی از خدای خود می‌خواست بهشت جاودان و آن‌گاه قدرت و قوت بود. سلامت عقل و بدن تا حدی به یکدیگر وابسته بودند که حتی تمام ابزار و سلاح‌هایی که برای تقویت جسم به کار می‌رفت از ارزش معنوی بسیاری برخوردار بودند.



استفاده از نام اسب

ایرانیان برای سواری به جای زین و رکاب روی اسب پارچه‌ای می‌انداختند که گاه زردوزی شده بود. سوارکاران چنان ماهر بودند که هنگام سواری بر روی اسب می‌پریدند. یونانیان این روش را «سواری به سبک پارسی» می‌نامیدند. از آن‌جا که ایرانیان اهمیت بسیار برای اسب قائل بودند در بسیاری از نام‌ها این کلمه را به کار می‌بردند؛ چون تهماسب، گشتاسب، ارجاسب، لهراسب، گرشاسب، جاماسب و ...

ارزش فراوان پهلوانان

در ایران باستان قهرمانان و رادمردان الگوی تمام مردم جامعه بودند و تلاش پدران این بود که جوانانی باهوش، چالاک و شجاع تربیت کنند. پهلوانان در آن دوره به این نام‌ها خوانده می‌شدند: آریا (اصیل زاده)، پهلو، پهلوان، شیردل، نبرد، شیرگیر، بهادر، نیوزاد، نیو، نام بردار، اردشیر، نام‌ور، هژبر، رادمرد، گورد، قهرمان گو و ...

نم





شکار در شکارگاه

پارسیان قدیم، شکارگاه را آموزشگاه حقیقی جنگ می‌دانستند؛ زیرا شکار آن‌ها را به سحر خیزی و تحمل سرما، گرما و خستگی عادت می‌داد. جوانان در هنگام رفتن به شکار، غذایی با خود می‌بردند، اما تا قبل از شکار چیزی نمی‌خوردند. شباهت شکار و جنگ در این است که شکارچی باید خود را از حمله حیوان حفظ کند و آن‌گاه او را هدف قرار دهد.

انواع چوگان

چوگان به دو صورت سواره و پیاده انجام می‌گرفت. کسانی که اسب نداشتند، رقابت چوگان را روی زمین انجام می‌دادند. چوگان پیاده شبیه به «هاکی» بود. چوگان از ایران به کشورهای دیگر جهان رفته است و به شکل‌های مختلف بر گزار می‌شود. امروزه چوگان را «پلو»^۲ می‌نامند. رقابت دو تیم در آب را هم «واترپلو» می‌نامند که به معنای چوگان در آب است.

ورزش در شاهنامه

فردوسی در شاهنامه توضیحات فراوانی درباره تاریخ ایران داده است. با مطالعه اشعار شاهنامه می‌توان به حقایق فراوانی از شرایط گذشته ایران پی‌برد. چوگان و کشتی از ورزش‌هایی هستند که در شاهنامه از آن نام برده شده است.

نحوه مسابقه چوگان

بازی‌های رسمی با نواختن ساز آغاز می‌شد. در مسابقات مختلف اعضای هر تیم ۷، ۱۰ یا ۱۵ نفر بود. در هر طرف زمین دو دروازه با تیرهای سنگی به چشم می‌خورد. در هنگام بازی گوی را در هوا می‌زدند و از فرود آمدن آن روی زمین جلوگیری می‌کردند. هدف از چوگان، تمرین جنگاوری و تشویق روح سلحشوری بود. تمام حرکات این مسابقه در جنگ مورد استفاده بود و حرکات بر روی اسب در جهت زدن گوی، افراد را به سوار کاری مسلط می‌ساخت.

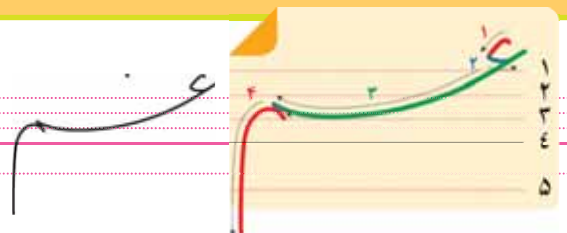


مسابقات اسب‌سواری و ارابه‌رانی

اسب‌های مسابقه را «ارانو»^۱ (بادپا) می‌نامیدند. مسابقات ارابه‌رانی با ارابه‌های دو اسبه و چهار اسبه برگزار می‌شد. جایزه برنده هم یک اسب بادپا بود. پادشاه ایران در دعاهای خود در پیشگاه خداوند گفته بود: «به من توفیق ده که اسبان گردونه‌ام در میدان نبرد، جلوتر از اسب‌های دیگران برانند.»



پی‌نوشت ۱. erneva ۲. polo



نه‌ماز

عادل اشکبوس

نماز

نظریات مختلفی دربارهٔ ریشهٔ واژهٔ نماز وجود دارد که از این میان دو نظریه مهم‌تر است. برخی بر این باورند که نماز از مصدر «نمیدن» به معنی خم‌شدن و تعظیم کردن است. در زبان کردی فعل «بنم» به معنی «خم‌کن» هنوز به کار می‌رود. دربارهٔ واژهٔ مازندران نیز برخی می‌گویند که این واژه حاصل «ماز + اندر + ان» است؛ یعنی جایی که راه‌های پرپیچ و خم دارد. برخی نیز می‌گویند نماز ترکیب «نه» + «ماز» است. ماز؛ یعنی پیچ و خم و نه‌ماز؛ یعنی پیچ و خم ندارد. نماز نیز راه راستی به سوی خداست.

ناخدا

ناخدا در اصل، «ناو خدا» است؛ یعنی خدای ناو یا صاحب کشتی که حرف واو از آن افتاده است.

آسمان

آس (سنگ گرد) + مان (پسوند همانندی)، به معنی فضایی همانند سنگ آس. این همانندی به این علت است که به باور پیشینیان آسمان، گرد هم‌چون سنگ بزرگ آسیاب است که بر فراز زمین در حال چرخش است. بخش نخست این واژه را می‌توان در واژه‌های آسیاب و خراس نیز دید. آسیاب؛ یعنی آسی که با آب می‌چرخد و خراس، آسی است که با خر می‌چرخد.

میرزا

میرزا کوتاه‌شده «امیرزاده» است. میرزا؛ یعنی میر (مخفف امیر) + زا (مخفف زاده) = امیرزاده

بوستان

این کلمه حاصل ترکیب بو (رایحه) + ستان است؛ یعنی جای پُربو، جایی که گل‌های خوشبو بسیار باشد. جایی پر از بوهای خوش. این واژه به صورت بوستان به عربی وارد شده و جمع مکسر نیز شده است (بساتین). در عربی واو بوستان به این دلیل حذف شده است که در زبان عربی دو حرف ساکن کنار هم نمی‌آیند (بوستان).

آبشار

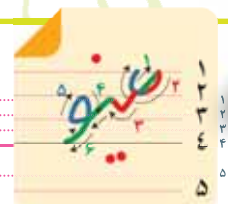
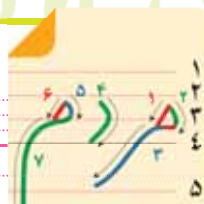
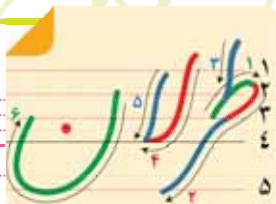
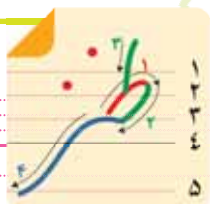
آب + شار (بن مضارع شاریدن به معنی ریختن)؛ یعنی جایی که آب می‌ریزد، ریزش آب.

کوچه

آیا تاکنون دربارهٔ ریشهٔ واژهٔ کوچه اندیشیده‌اید؟ کوچه در اصل «کویچه» است. (کوی + چه) کوچه؛ یعنی کوی کوچک، محلهٔ کوچک.

سرما

این واژه در اصل سرداست؛ چون آن را با گرما به کار می‌بریم، به سرما تغییر کرده است. واژهٔ گرما از ریشهٔ گرم است، اما ریشهٔ سرما، سرم نیست. مانند عدد پنجاه یا پانجاه که به علت سختی تلفظ به پانزده تبدیل شده و ششده به خاطر همسایگی با آن به شانزده تبدیل شده است. برخی دوست دارند ششصد را به تقلید از پونصد یا پانصد، شونصد تلفظ کنند.





لیلا جلیلی

«اولین بار که سوار موتور شدم، احساس کردم بعد از سال‌ها از زندان آزاد شده‌ام، حالا هر لحظه که اراده می‌کردم و هر جا که عشقم می‌کشید می‌توانستم بروم. دیگر از سر و کله‌زدن با راننده‌ها و دعوا سر مقدار کرایه خلاص شده بودم... دیدن دنیا از پشت موتور مثل تماشای فیلم روی دور تند است. همه چیز به سرعت برق می‌آید و می‌رود و تو فرصتی برای نگاه کردن و به خاطر سپردن نداری... روز و شب فکر کردن به دیگران و مقصدشان خیلی چیزها را از یاد آدم می‌برد. کم‌کم فراموش می‌کنی که بوده‌ای، چه می‌خواستی و قرار بود به کجا برسی!»

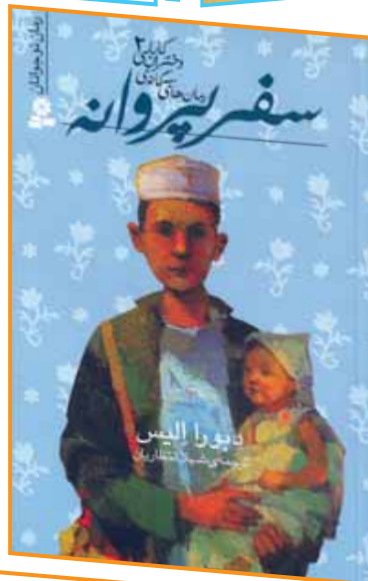
«زندگی ترک موتورسیکلت» یادداشت‌های طنز آلود یک موتورسوار دربارهٔ مسافرکشی با موتور است. «عباس ترین» در این کتاب با تزیینی خاصی صحنه‌هایی از زندگی در یک شهر شلوغ و شتاب‌زدگی آدم‌های آن را به تصویر کشیده است. شاید بهترین چیزی که بتوان از این کتاب یاد گرفت، هنر خوب دیدن باشد.



زندگی ترک موتورسیکلت
 نویسنده: سید عباس ترین
 ناشر: هزاره ققنوس (۰۰۰-۰۲۱)
 چاپ اول: ۱۳۸۹
 قیمت: ۲۰۰۰ تومان

دختران کابلی

نویسنده: دِپورا ایس
 مترجم: شهلا انتظاریان
 ناشر: قدیانی (تلفن: ۰۴۴۱-۰۶۶۴-۰۲۱)
 چاپ اول: ۱۳۹۰
 قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال



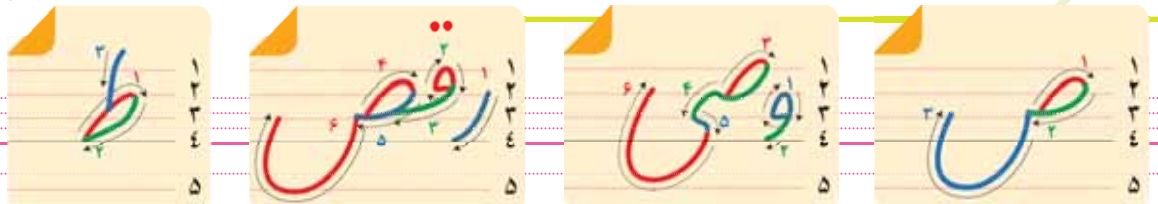
پروانه می‌خواست چشم‌هایش را ببندد و منتظر شلیک او باشد که دید او نامه‌ای از جیبش بیرون آورده است. او روی پتو کنار پروانه نشست. گفت این را بخوان! «نان آور» از مجموعه رمان‌های سه گانه «دختران کابلی»، داستان دختر نوجوان افغانی است به نام «پروانه» که به همراه خانواده‌اش در اتاقی تاریک با اثنایه‌های اندک زندگی می‌کند. از وقتی طالبان ادارهٔ امور کابل را به دست گرفته‌اند، پدر و مادرش بیکار شده‌اند و زندگی آن‌ها به سختی می‌گذرد. شبی سربازان طالبان پدرش را به جرم تحصیل در انگلیس، دستگیر می‌کنند. با زندانی شدن پدر، مادر مجبور می‌شود برای گذران زندگی، موهای پروانه را کوتاه کند و او را به شکل پسران روانهٔ خرید و کار کند. حالا پروانه، قاسم شده است و نان آور خانه. برای مردم نامه می‌نویسد و نامه می‌خواند، استخوان مرده می‌فروشد و گاهی کبریت و آجیل و آلوی خشک. ولی هرگز ناامید نمی‌شود و با شجاعت بدترین شرایط را تحمل می‌کند. و به زندگی ادامه می‌دهد.

«سفر پروانه» و «شهر گلی» جلد دوم و سوم این رمان هستند که در هر کدام گوشه‌هایی از زندگی مردم افغانستان، به‌ویژه کودکان افغانی در شرایط جنگ و ناامنی به تصویر کشیده شده است.

«مرد میان او و نور خورشید ایستاد. پروانه قبل از دیدن او، سایه‌اش را حس کرده بود. سرش را برگرداند و بر سر آن مرد، دستار سیاه مخصوص افراد طالبان را دید. تفنگی روی عرض سینه‌اش قرار داشت؛ به همان ترتیبی که کیف رودوشی پدرش روی سینه‌اش قرار می‌گرفت. سرباز طالبان هم چنان به او نگاه می‌کرد. بعد دستش را توی جلیقه‌اش برد و در حالی که نگاهش به پروانه بود، چیزی را از جیب جلیقه‌اش بیرون کشید.»

برای تمرین بقیهٔ سرمشق‌ها از دفتر مشق موجود در وبلاگ رشد نوجوان

استفاده کنید. نشانی وبلاگ در صفحه فهرست



زنگ

محمد عزیزی پور

نوجوان بهمن ۱۳۸۰

۴ چه کسری از مساحت شکل رنگ شده است؟



از صفر تا صد چند تا ۹ وجود دارد؟

۶ چگونه می‌توان در هر سطر با قرار دادن علامت‌های +، -، ×، ÷، (،)، بین ارقام ۵، تساوی به دست آورد؟

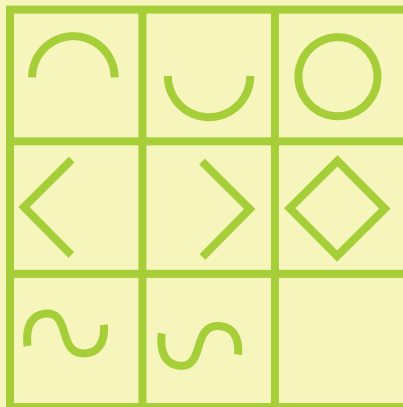
$$\begin{aligned} 5 \ 5 \ 5 \ 5 &= 5 \\ 5 \ 5 \ 5 \ 5 &= 6 \\ 5 \ 5 \ 5 \ 5 &= 30 \\ 5 \ 5 \ 5 \ 5 &= 120 \end{aligned}$$

۷ پدر احمد می‌تواند یک اتوبوس پر از مسافر، یا یک کامیون پر از بار را با یک دست نگاه‌دارد. چگونه ممکن است؟

© ۱۳۸۰ انتشارات نوجوان بهمن

۱ آن چیست که جایش هم در آشپزخانه است، هم در داروخانه و هم در آتش‌نشانی؟

۲ در جدول ۹ خانه‌ای زیر، یک خانه خالی است و تو از روی ۸ شکل موجود می‌توانی شکل نهم را پیدا کنی؟



۳ مردی با همسرش در خیابان قدم می‌زد. ناگهان به فکرش رسید که کاری ضروری دارد! بنابراین تصمیم گرفت از همسرش خداحافظی کرده، به دنبال کارش برود، پس رو به زنش کرد و گفت: «خداحافظ، خواهر عزیز»، با این که طرف مقابل همسر او بود چرا این گونه خداحافظی کرد؟

تفریح

حرف مربع های شماره دار را به ترتیب بنویسید تا رمز جدول به دست آید.

روز ورود امام خمینی به میهن	فرزند ابراهیم (ع) قشنگ	معدن ضمیری متصل	پول زاپنی ها	روایت کننده	از دانشمندان یونان یک خارجی	نام کامل کشور عزیز ما
استان نفت خیز		①	مرمت فرش و لباس جمع ساکن		همدم مؤنث	②
گرویدن			سال به سال مخفف تو را			
لسان خدا حافظی	⑬		ورزشی رزمی سرخرگ	⑤		
			جمع شرط لایه ای در هوا	③	مساوی بشر	④
				یک وام سربازخانه		
انتها کشورهای در آسیا			قلمه درخت نصابیح داخل شدن			
				نامی دخترانه	مانع	
⑨ شهری در استان یزد	خیز کشورهای در شمال آفریقا				نت پنجم نیروگاهی در شمال	
مهمان خانه	ناشر واحد پول فنلاند					⑦
اقامت گزیده			کشوری در شرق آفریقا قلب قرآن	⑮		
کشوری نامرتب در اروپا	⑧					⑩
			دانه رنجور		سلاح کاشتنی	
⑪				مرکز نیجر یادبود ناتمام		
قلمها	عیب لبریز				حرف انتخاب خاندان	
				از آن طرف نامستگی		
					فوری فرهنگ	⑭
⑫	نوعی مقیاس از اقوام آریایی	⑰				
خرس عرب	برقرار کلمه افسوس					
بانگ	نمد می سازد کتف				اندک، ناچیز	
از جزایر خلیج فارس			جنگ مبارزه		نوعی ویتامین	⑯
روز پیروزی انقلاب اسلامی		⑱				

